

مقام امام و امامت از منظر امام جواد سلام الله عليه

وجود مقدس و نوراني نهمين حجت خدا، حضرت محمد بن علي الجواد سلام الله عليهما در دهم رجب سال يك صد و پنج هجري در شهر مدینه منوره دیده به جهان گشود. پدر بزرگوارش وجود مقدس امام رضا سلام الله عليه و مادر گرامي و با فضيلتشان، خيزران سلام الله عليها نام داشت. از آنجائي که امام رضا سلام الله عليه در ميانسالي صاحب فرزند شدند، ولادت امام جواد براي استمرار امامت و پاسخ به منکران جايگاه امام حائز اهميت بود فلذا آن حضرت فرمودند:

هَذَا الْمَوْلُودُ الَّذِي لَمْ يُوَلَدْ مَوْلُودٌ أَغْظَمُ بَرَكَهً عَلَى شِيعَتِنَا مِنْهُ.

الكليني الرازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ۳۲۹ ق)، الأصول من الكافي، ج ۱، ص ۳۲۱، صححه

وعلق عليه علي أكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الاسلامية، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸هـ.

این همان مولودی است که مولودی پر برکتتر از او نسبت به شیعیان ما متولد نشده است.

چرا که برخي گمان کرده بودند امام رضا سلام الله عليه ديگر صاحب فرزندی نمی شود و نسل امامت قطع می شود و دشمنان از این مساله خوشحال بودند. با ولادت امام جواد سلام الله عليه ریشه هاي امید بیش از پیش در جامعه اسلامي و بين خواص گسترش یافت و خط بطلاني بر تفکر باطل انقطاع امامت کشید. جوان ترین امام که در سال دویست و سه هجري که امام رضا به شهادت رسید، به مقام امامت نائل گشتند و در مدت هفده سالي که سکان هدایت عالم در دستان مبارک آن حضرت بود، نقش مهمي در جامعه آن روز ایفا کردند، هر چند عمر کوتاه ایشان، باعث شد تا کمتر از محضر آن ولي خدا استفاده شود. سر انجام امام جواد عليه السلام در آخر ذي الحجة سال دویست و بیست هجري در سن بیست و پنج سالگی به دسیسه مامون عباسي و

توسط ام الفضل به شهادت رسیدند و بدن مبارک ایشان را در کنار جد بزرگوارشان حضرت موسی بن جعفر سلام الله علیهما در مقبره ای معروف به «مقابر قریش» به خاک سپرده شد.

جامعه اخلاقی و نگاه به معنویت افراد یکی از نکات مهمی است که در زندگانی امام جواد سلام الله علیه دیده می شود. تبیین جایگاه امام و امامت نیز از جمله مباحث بسیار مهمی است که در سیره به جای مانده در منابع مکتوب از امام جواد سلام الله علیه، رهگشای هر گونه ابهام و شک است. در این نوشته به نحو مختصر به جایگاه امام، ویژگی های امام، جایگاه امامت و مناسبات بحث کلی امامت اشاره می شود.

تبیین جایگاه امام و منصب امامت

یکی از ویژگی هایی که اهل بیت علیهم السلام بدان متصفند، امین خداوند متعال بوده اند. اساساً از آنجائی که اهل بیت علیهم السلام برگزیه الهی بوده اند و به تصریح آیه شریفه اصطفاء که خداوند متعال فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ، ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ.
آل عمران، ۳۳-۳۴.

خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد، فرزندان [را برگزید] که [از نظر پاکی، تقوا، درستی و راستی] برخی از [آنان از نسل] برخی دیگرند؛ و خدا شنوا و داناست.

برگزیده الهی می باشند، دارای ویژگی های خاص می باشند که دیگر افراد بشر در این ویژگی ها با آن انوار مقدس مشترک نیستند. از جمله صفاتی که اهل بیت علیهم السلام دارای آن بوده اند، «امین وحی و خلق» خداوند می باشند.

خداوند متعال امانت های خود را به افرادی می سپارد که از هر نظر مورد تأیید باشند. انبیاء الهی و اهل بیت علیهم السلام بهترین امینان الهی می باشند. سپردن هدایت مردم و رساندن آنان به سر منزل مقصود، یکی از برنامه های الهی است که البته با اختیار هر فردی، در این مسیر قرار می گیرد. لازم است راهبر و کسی که

هدایت گر است، خودش از هر نظر مورد تأیید باشد تا هدف الهی محقق شود. از این باب است که ائمه علیهم السلام معصوم بوده و به عنوان امین و مجری دستورات الهی می باشند، چنان چه در روایتی امام جواد سلام الله علیه فرمودند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنَا مِنْ نُورِهِ بِيَدِهِ، وَ اضْطَفَانَا مِنْ بَرِيَّتِهِ، وَ جَعَلَنَا أُمَّةً عَلَى خَلْقِهِ وَ وَحِيهِ.

الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (متوفاي قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۳۸۴، تحقيق: قسم

الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳هـ.

سپس مخصوص خداوندي است که ما را از نور خودش آفرید و بر بندگانش برتري داد و بر خلق و

وحیش، امین قرار داد.

نباید پنداشت امام و یا پیامبر هنگامی که به مقام هدایت گری مردم می رسد، دارای ویژگی های خاصی می شود. اولاً جایگاه راهبري در وجود امام نهفته است و با وجود امام قبلي، امام در ظاهر بر مردم ولایت ندارد و ثانیاً چون امام از بدو تولد معصوم است، ویژگی ها به صورت بالقوة است که در هنگام سکان داري ظاهري، بالفعل تبدیل می شود.

در روایتی امام جواد سلام الله علیه فرمودند:

عَلِيٌّ بِنِ اسْبَاطٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَدْ خَرَجَ عَلَيَّ فَأَخَذْتُ النَّظَرَ إِلَيْهِ وَ جَعَلْتُ أَنْظُرُ إِلَى رَأْسِهِ وَ رِجْلَيْهِ لِأَصِفَ قَامَتَهُ لِأَصْحَابِنَا بِمِصْرَ فَبَيَّنَّا أَنَا كَذَلِكَ حَتَّى قَعَدَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ احْتَجَّ فِي الْإِمَامَةِ بِمِثْلِ مَا احْتَجَّ بِهِ فِي النَّبُوَّةِ فَقَالَ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً فَقَدْ يَجُوزُ أَنْ يُؤْتَى الْحِكْمَةَ وَ هُوَ صَبِيٌّ وَ يَجُوزُ أَنْ يُؤْتَاهَا وَ هُوَ ابْنُ أَرْبَعِينَ سَنَةً.

الكليني الرازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ۳۲۹ ق)، الأصول من الكافي، ج ۱، ص ۳۸۴؛ ج ۱،

ص ۴۹۴، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الاسلامية، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸هـ.

علی بن اسباط گوید: من [ابا جعفر] امام جواد علیه السلام را دیدم که برای [استقبال] من بیرون آمده بود و شروع کردم به او نگاه کردن و سراپای ایشان را نگاه می کردم تا شمایلش را برای یارانمان در مصر توصیف کنم. در این میان که من در این فکر بودم، ایشان نشست و فرمود: ای علی به راستی خدا در امامت ما نشانه ای آورده به مانند آنچه در نبوت آورده است و [در ادامه] فرمود: «و به او نبوت را در کودکی دادیم» [این آیه درباره یحیی است] و خداوند فرمود: «و چون به بلوغ رسید» «و چهل ساله شد»، پس شایسته است به کسی که کودک باشد، نبوت داده شود، چنان چه شایسته است در سن چهل سالگی به او [نبوت] داده شود. [یعنی اعطای نبوت و امامت هم در سن خردسالی می شود و هم در سن چهل سالگی].

با دقت در متن این روایت، آن حضرت مقارنه ای بین مقام نبوت و امامت را فرمودند و تصریح داشتند که همان طوری که مقام نبوت در سن کم و یا چهل سالگی می تواند باشد، امامت نیز چنین است چنان چه آن حضرت در پاسخ به سوالی که پیرامون امامت در کودکی مطرح شد، فرمودند:

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ يَعْني أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْإِمَامِ فَقُلْتُ يَكُونُ الْإِمَامُ ابْنٌ أَقَلَّ مِنْ سَبْعِ سِنِينَ فَقَالَ نَعَمْ وَ أَقَلَّ مِنْ خَمْسِ سِنِينَ.

الكليني الرازي، محمد بن يعقوب بن إسحاق (المتوفى ٣٢٩ ق)، الأصول من الكافي، ج ١، ص ٣٨٤، صححه وعلق عليه علي أكبر الغفاري، ناشر: دار الكتب الاسلامية، تهران، الطبعة الثالثة، ١٣٨٨هـ.

محمد بن اسماعیل می گوید: از او یعنی ابا جعفر [امام جواد] علیه السلام پیرامون مساله ای پیرامون امام سوال کردم، عرضه داشتیم: آیا امام [می تواند] کمتر از هفت سال باشد؟ حضرت فرمودند: [حتی امام می تواند] کمتر از پنج سال باشد.

امامی که خداوند حتی در کودکی به او مقام امامت را می تواند اعطا کند، دارای ویژگی هایی می باشد. ویژگی های زیادی در روایات متعددی برای امام ذکر شده است. در روایتی امام جواد سلام الله علیه در پاسخ به سوالی پیرامون نشانه امام، کرامتی را از خود نشان دادند و بر نشانه ی امام چنین استدلال کردند:

قَالَ عُمَارَةُ ابْنُ زَيْدٍ: رَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا عَلَامَةُ الْإِمَامِ؟ قَالَ: إِذَا فَعَلَ هَكَذَا. فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَخْرَةٍ فَبَانَتْ أَصَابِعُهُ فِيهَا. وَرَأَيْتُهُ يَمُدُّ الْحَدِيدَ بِغَيْرِ نَارٍ، وَ يَطْبَعُ الْحِجَارَةَ بِخَاتَمِهِ.

الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (متوفاي قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۴۰۰-۴۰۱، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳هـ.

عمارة بن زيد مي گوید محمد بن علي [امام جواد] عليه السلام را دیدم، عرضه داشتم: اي فرزند رسول خدا، نشانه امام چیست؟ حضرت فرمود: هنگامی که چنین کند. سپس دست خود را بر روی تکه سنگی گذاشتند و [اثر] انگشتان ایشان بر روی سنگ باقی ماند. راوي مي گوید: دیدم که امام آهن را بدون آتش مي کشید و بر روی سنگي با انگشترش نقشي ترسيم نمود.

در خبري ديگر، ابراهيم بن سعد کرامت ديگري از امام جواد سلام الله عليه را در اثبات علامت و نشانه امام چنين گزارش مي کند:

إِبْرَاهِيمُ بْنُ سَعْدٍ، قَالَ: رَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ لَهُ شَعْرَةٌ - أَوْ قَالَ وَفْرَةٌ - مِثْلُ حَلَكِ الْعُرَابِ، مَسَحَ يَدَهُ عَلَيْهَا فَاحْمَرَّتْ ثُمَّ مَسَحَ عَلَيْهَا بِظَاهِرِ كَفِّهِ فَابْيَضَّتْ، ثُمَّ مَسَحَ عَلَيْهَا بِبَاطِنِ كَفِّهِ فَعَادَتْ سُودَاءَ كَمَا كَانَتْ، فَقَالَ لِي: يَا ابْنَ سَعْدٍ، هَكَذَا تَكُونُ آيَاتُ الْإِمَامِ.

الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (متوفاي قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۳۹۷، تحقيق: قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳هـ.

ابراهيم بن سعد مي گوید: دیدم محمد بن علي الرضا [امام جواد] عليهم السلام در حالي که موهاي ایشان مانند [پر هاي] کلاغ بسيار سياه بود. دست خود را بر روی مو کشيدند، قرمز شد، سپس با پشت دست خود به مو کشيدند، سفيد شد و سپس با کف دست خود به مو کشيدند و مانند آنچه که بود، سياه شد. در اين هنگام به من فرمودند: اي فرزند سعد، نشانه امام چنين است [که بتواند اين چنين کند].

ولایت امام بر مردم و شئونی که خداوند متعال به امام داده است، یکی از مهم ترین ویژگی معصوم شمرده می شود. اساس تفویض اموری مهم به حجت خداوند متعال، یکی از وجوه تمایز ولی خدا از سایر مردم است. تصرف در عالم و ولایت تکوینی و تشریحی از جمله موهبت های الهی به آن انوار مقدس است. اصل ولایت تشریحی از جانب خداوند متعال در باب هدایت و راهنمایی بندگان خود وضع شده است اما با اختیاری که رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام داشته اند، قدرت تصمیم و اختیار و اراده در انجام و یا عدم انجام کاری را دارا بوده اند. در روایتی امام جواد سلام الله علیه تصریح فرموده اند که امور بندگان در اختیار امام بوده است و همان ولایت تشریحی را آن حضرت تبیین فرمودند:

مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرِ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَجْرَيْتُ اخْتِلَافَ الشَّيْعَةِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَزَلْ مُتَّفَرِّدًا بِوَحْدَانِيَّتِهِ ثُمَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَفَاطِمَةَ فَمَكَّنُوهُمَا أَلْفَ دَهْرٍ ثُمَّ خَلَقَ جَمِيعَ الْأَشْيَاءِ فَأَشْهَدَهُمْ خَلْقَهَا وَاجْرَى طَاعَتَهُمْ عَلَيْهَا وَفَوَّضَ أُمُورَهَا إِلَيْهِمْ فَهُمْ يُحِلُّونَ مَا يَشَاءُونَ وَ يُحَرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ وَ لَنْ يَشَاءُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ قَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ الدِّيَانَةُ الَّتِي مِنْ تَقَدَّمَهَا مَرَقٌ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا مُجِقٌ وَ مَنْ لَزِمَهَا لِحِقٌ حُدَّهَا إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ.

الکلبینی الرازی، محمد بن یعقوب بن إسحاق (المتوفی ۳۲۹ ق)، الأصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۴۱، صححه

وعلق علیه علی اکبر الغفاری، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، تهران، الطبعة الثالثة، ۱۳۸۸هـ.

محمد بن سنان می گوید نزد ابوجعفر [امام جواد] سلام الله علیه بودم که از بگومگویی شیعه سخن گفتم، آن حضرت فرمود: ای محمد، خداوند تبارک و تعالی همیشه یگانه و تنها بود، سپس محمد و علی و فاطمه را آفرید و هزار دهر درنگ کردند، سپس همه چیز را آفرید و آنان را گواه آفرینش همه چیز ساخت و فرمانبری آنان را بر همه چیز مجری نمود و امورشان را بدانها واگذاشت، پس آنانند هر چه را که خواهند حلال کنند و هر چه را خواهند حرام کنند و هرگز نخواهند جز آنچه را خداوند بخواهد، سپس حضرت فرمود: ای محمد، این

است آن دینی که هر که از آن جلو بیافتد، بیرون می رود و هر که از آن عقب بماند، نابود گردد و هر که بدان برسد، به مقصد رسد، ای محمد آن را برای خود بگیر [و همراه آن حرکت کن].

با توجه به این روایت و دقت در عبارت «هُمْ يُحْلُونَ مَا يَشَاءُونَ وَ يُحَرِّمُونَ مَا يَشَاءُونَ وَ لَنْ يَشَاءُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى» به خوبی ولایت تشریحی ائمه علیهم السلام مشخص می شود که آن بزرگواران نماینده الهی بوده و ولایت در تصرف امور شرعی را دارا بوده اند.

در روایتی دیگر وجود مقدس امام جواد سلام الله علیه، در یک سالی، خمس بسیاری از موارد را از شیعیان برداشتند و علت آن را نیز بیان کردند:

عَلِيٌّ بْنُ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَرَأْتُ أَنَا كِتَابَهُ إِلَيْهِ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ قَالَ الَّذِي أُوجِبْتُ فِي سَنَتِي هَذِهِ وَ هَذِهِ سَنَةٌ عَشْرِينَ وَ مِائَتَيْنِ فَقَطْ ... وَ إِنَّمَا أُوجِبْتُ عَلَيْهِمُ الْخُمْسَ فِي سَنَتِي هَذِهِ فِي الدَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ الَّتِي قَدْ حَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ وَ لَمْ أُوجِبْ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ فِي مَتَاعٍ وَ لَا آتِيَةٍ وَ لَا دَوَابٍّ وَ لَا خَدَمٍ وَ لَا رِبْحٍ رِبْحَهُ فِي تِجَارَةٍ وَ لَا ضَيْعَةٍ إِلَّا ضَيْعَةً سَأَفْسُرُ لَكَ أَمْرَهَا تَخْفِيفاً مِنِّي عَنْ مَوَالِيٍّ وَ مَتَأً مِنِّي عَلَيْهِمْ لِمَا يُعْتَالُ السُّلْطَانُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ.

الطوسي، ابوجعفر، محمد بن الحسن (المتوفى ٤٦٠هـ)، تهذيب الأحكام في شرح المقنعة للشيخ المفيد رضوان الله عليه، ج ٤، ص ١٤١، تحقيق: السيد حسن الموسوي الخرسان، ناشر: دار الكتب الإسلامية - طهران، چاپخانه: خورشيد، چاپ: الثالثة، سال چاپ: ١٤٠٧ق.

راوي می گوید من در راه مکه نامه ابوجعفر علیه السلام به علي بن مهزيار را خواندم که نوشته شده بود: من در این سال، یعنی سال دویست و بیست [خمس را] واجب کردم ... من در این سال خمس را در طلا و نقره ای که سال بر آن گذشته باشد، واجب کردم و خمس را بر آنان در کالا و ظرف و سواری و خدمت کار و سود تجارت واجب نکردم چنانچه بر زمین کشاورزی و باغ واجب نکردم مگر زمینی که بعداً توضیح خواهم داد،

[اینکه خمس این موارد را واجب نکردم،] تخفیفی است از من برای دوستانم و امتنانی است بر آنان، چراکه حکومت بخشی از اموالشان از بین می‌برد.

شکی نیست که خمس در دین مبین اسلام واجب بوده و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد، اما با ولایت تشریحی که امام دارد، می‌تواند در مقدار و وجوب و یا عدم وجب آن تصرف کرده و دستوری خاص به پیروان خود صادر کند که این نکته مهمی پیرامون جایگاه امام است.

البته نباید فراموش کرد که ائمه علیهم السلام نه تنها از جانب خداوند متعال انتخاب شده‌اند، بلکه علم آن بزرگواران نیز دارای منبع الهی می‌باشد. در نتیجه نباید از تغافل شود که امور مهم چرا توسط امام انجام می‌پذیرد.

در روایتی نورانی، وجود مقدس امام جواد سلام الله علیه تصریح فرمودند که ما اهل بیت، خزانه دار علم الهی هستیم و بندگانی هستیم که مورد تکریم الهی قرار گرفته ایم:

فقال أبو جعفر عليه السلام: نحن خزّان الله على علمه و غيبه و حكمته، و أوصياء أنبيائه، و عباد مكرمون.

ابن حمزه طوسی، محمد بن علی (متوفای قرن ۶)، الثاقب فی المناقب، ص ۵۲۲، محقق / مصحح: علوان،

نبیل رضا، دار النشر: انصاریان، ایران؛ قم، الطبعة: الثالثة، ۱۴۱۹ق.

ابو جعفر [امام جواد] سلام الله علیه فرمودند: ما [اهل بیت] خزانه علم و غیب و حکمت الهی هستیم، ما

جانشینان پیامبران هستیم و ما بندگانی هستیم که تکریم شده ایم.

این کلام جواد الائمه سلام الله علیه نیز مطابق سخنی است که امیرالمؤمنین سلام الله علیه بعد از جنگ

نهروان، بر فراز منبر رفته و به ذکر فضائل خود و اهل بیت علیهم السلام پرداخته و در فرازی از خطبه خود، در

مقام بیان علم اهل بیت علیهم السلام چنین فرمودند:

إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ عَلَمْنَا.

الهلالی، سلیم بن قیس (متوفای ۸۰هـ)، کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ج ۲، ص ۷۱۶، ناشر: انتشارات هادی - قم، الطبعة الأولى، ۱۴۰۵هـ.

علم ما اهل بیت، از علم خداوند است.

در روایتی دیگر نیز امام صادق سلام الله علیه، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام را حاملان علوم و اسرار الهی دانسته و فرمودند:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ إِنَّ عِنْدَنَا وَاللَّهِ سِرًّا مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ عِلْمًا مِنْ عِلْمِ اللَّهِ.

الکلبینی الرازی، أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إسحاق (متوفای ۳۲۸ هـ)، الأصول من الکافی، ج ۱، ص ۴۰۲، ناشر: اسلامیة، تهران، الطبعة الثانية، ۱۳۶۲ هـ.ش.

ابو عبد الله [امام صادق] سلام الله علیه فرمودند: ای ابا محمد (کنیه ابا بصیر) به خدا قسم سري از اسرار الهی و علمی از علوم الهی نزد ما [اهل بیت] است.

نه تنها علم و اسرار الهی، بلکه گنجینه های مادی زمین نیز در دست امام معصوم علیه السلام است. شکی نیست که زمین و آنچه که درون آن است همگی ملک اهل بیت علیهم السلام بوده و مالکیت اصلی آن با انوار مقدس الهی است فلذا در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به حضرت زهرا سلام الله علیها فرمودند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى زَوَّجَكَ فَاطِمَةَ وَ جَعَلَ صَدَاقَهَا الْأَرْضَ فَمَنْ مَشَى عَلَيْهَا مُبْغِضًا لَهَا مَشَى حَرَامًا.

ابن طاووس الحلبي، ابي القاسم علي بن موسي (المتوفى ۶۶۴هـ)، الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، ج ۱، ص ۲۵۴، چاپخانه: الخيام - قم، چاپ: الأولى ۱۳۹۹ق.

الإربلي، أبي الحسن علي بن عيسى بن أبي الفتح (المتوفى ۶۹۳هـ)، كشف الغمة في معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۱۰۰، ناشر: دار الأضواء - بيروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۵هـ - ۱۹۸۵م.

الخوارزمي، الموفق بن احمد بن محمد المكي (المتوفي 568هـ)، المناقب، ص 329، تحقيق: الشيخ مالك

المحمودي - ناشر: مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، چاپ: الثانية 1414ق.

رسول خدا صلي الله عليه و آله فرمودند: يا علي، خداوند متعال فاطمه را به همسري تو در آورد و مهریه او را زمين قرار داد، هر کس که بر روي زمين حرکت کند و بغض او [حضرت زهرا سلام الله عليها] را داشته باشد، راه رفتنش حرام خواهد بود.

مرحوم کليني در کتاب شريف «کافي» بابي را با عنوان « أَنَّ الْأَرْضَ كُلَّهَا لِلِإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ » را بيان و

در ذيل آن 8 روايت را در اين باب بيان کرده است. در روايتي نيز امام باقر سلام الله عليه فرمودند:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ أَنَا وَ أَهْلُ بَيْتِي الَّذِينَ أَوْرَثَنَا اللَّهُ الْأَرْضَ وَ نَحْنُ الْمُتَّقُونَ وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا لَنَا.

الكليني الرازي، أبو جعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق (متوفى 328 هـ)، الأصول من الكافي، ج 1، ص 407،

ناشر: اسلاميه، تهران، الطبعة الثانية، 1362 هـ.ش.

امام باقر سلام الله عليه فرمودند: در کتاب حضرت علي عليه السلام در ذيل آيه: [معنا و تفسير آن را]

يافتيم که آمده است: مراد من و اهل بيتم هستيم، کسانی که خداوند زمين را به ما ارث داده است [و ما ورثه زمين هستيم]، ما پرهيزگاران هستيم و همه زمين از آن ما است.

پس دانسته شد با توجه به روايات متعددي که در منابع مکتوب حديثي موجود است، مالکيت اصلي

زمين براي رسول خدا و اهل بيت عليهم السلام و الصلاة است، چنان چه امام جواد سلام الله عليه نيز در روايتي

نوراني به اين مساله اشاره فرمودند و تصريح کردند:

إِنْرَاهِيمُ بْنُ سَعْدٍ، قَالَ: رَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ ... فَقُلْتُ: رَأَيْتُ أَبَاكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَضْرِبُ بِيَدِهِ إِلَى التُّرَابِ فَيَجْعَلُهُ دَنَانِيرَ وَ دَرَاهِمَ. فَقَالَ: فِي مَضْرِكِ قَوْمٍ يَزْعُمُونَ أَنَّ الْإِمَامَ يَحْتَاجُ إِلَى مَالٍ، فَضْرَبَ بِيَدِهِ لَهُمْ لِيُبْلَغَهُمْ أَنَّ كُنُوزَ الْأَرْضِ بِيَدِ الْإِمَامِ.

الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (متوفاي قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۳۹۷-۳۹۸، تحقيق:

قسم الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ:

الأولى ۱۴۱۳هـ.

ابراهيم بن سعد مي گوید: محمد بن علي الرضا عليهما السلام را دیدم، به ايشان عرض کردم: پدرت

[امام رضا] عليه السلام را دیدم که دست خود را به خاک زمين زدند و خاک را تبديل به دينار و درهم کرد. آن

حضرت فرمود: در سرزمين تو گروهی هستند که گمان مي کنند امام محتاج به مالي است، پدرم با دست خود

به زمين زد تا به آنان تفهيم کند که گنجينه هاي زمين همگی در دست امام است.

امامي که تمام گنجينه هاي زمين از آن اوست، منطق سخن گفتن با تمامی جنبنندگان زمين نیز به او

اعطا شده است.

اساسا امام کسی است که بتواند با همه زبان ها، حتي زبان حيوانات نیز سخن بگوید که در قانون

معرفت حجت این نکته بسیار مهم است.

در روايتي جواد الائمه عليه السلام در این مورد فرمودند:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ لِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَمْرِو التُّوْخِيُّ: رَأَيْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ

يُكَلِّمُ ثَوْرًا فَحَرَّكَ الثَّوْرُ رَأْسَهُ، فَقُلْتُ: لَا، وَ لَكِنْ تَأْمُرُ الثَّوْرَ أَنْ يُكَلِّمَكَ. فَقَالَ: وَ عَلَّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَ أُوتِينَا مِنْ كُلِّ

شَيْءٍ.

الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (متوفاي قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۴۰۰، تحقيق: قسم

الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳هـ.

عبد الله بن سعيد مي گوید که محمد بن علي به من گفت: محمد بن علي [امام جواد] عليهما السلام را

دیدم که با گاوي نر صحبت مي کرد و آن گاو سر خود را تکان مي داد. [با تعجب گفتم]نه، شما به گاو دستور

دادید تا با شما سخن بگوید! حضرت فرمود: به ما زبان سخن گفتن با موجودات [از طرف خدا] تعلیم شده و از هر چیزی به ما داده شده است.

همراهی با اهل بیت علیهم السلام و تبعیت بی چون و چرا از آن انوار قدسی، تنها مسیری است که آدمی را به سر منزل مقصود رسانده و علاوه بر نشان دادن مسیر الهی، معرفت به خداوند متعال نیز از طریق آن بزرگواران حاصل می شود. عبودیت در مکتب خاندان رسالت معنا پیدا کرده و خداشناسی و توحید از چشمه سار اولیای الهی سرچشمه گرفته است. در روایتی امام جواد سلام الله علیه، همراهی با اهل بیت علیهم السلام را تنها راه سعادت و ورود به رضوان الهی بر شمرند چنان چه فرمودند:

مَنْ كَانَ مِنْ حِزْبِنَا أُدْخِلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ.

الکشی، محمد بن عمر (المتوفی ۳۵۰ ق)، اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی، ج ۲، ص ۷۹۲،

لشیخ الطائفة أبي جعفر الطوسي (قده)، تصحيح وتعليق: المعلم الثالث ميرداماد الاستربادي، تحقيق: السيد

مهدي الرجائي، ناشر: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، قم، تاريخ الطبع: ۱۴۰۴ هـ.

کسی که از حزب ما [اهل بیت] باشد، خداوند او را وارد بر بهشت می کند.

دشمن شناسی و انتقام از ظالمین حضرت زهرا سلام الله علیها نیز یکی دیگر از موارد مهمی است که در رفتار امام جواد سلام الله علیه دیده می شود.

راوی نقل می کند در زمانی که امام جواد سلام الله علیه کمتر از چهار سال داشتند، ایشان را به نزد امام

رضا سلام الله علیه آوردند که گفتگویی بین ایشان و علی بن موسی الرضا علیهما السلام صورت پذیرفت:

زَكَرِيَّا بْنُ آدَمَ، قَالَ: إِنِّي لَعِنْدَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ جِيءَ بِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ سِنَّهُ أَقَلُّ مِنْ أَرْبَعِ

سِنِينَ، فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى الْأَرْضِ، وَ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَأَطَالَ الْفِكْرَ، فَقَالَ لَهُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: بِنَفْسِي أَنْتَ، لِمَ

طَالَ فِكْرُكَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِيمَا صُنِعَ بِأُمَّي فَاطِمَةً عَلَيْهَا السَّلَامُ، أَمَا وَ اللَّهِ لَأُخْرِجَنَّهْمَا ثُمَّ لَأُحْرِقَنَّهْمَا، ثُمَّ

لَأَدْرِيَنَّهُمَا، ثُمَّ لَأَنْسِفَنَّهْمَا فِي الْيَمِّ نَسْفًا. فَاسْتَدْنَا، وَ قَبْلَ مَا يَبِينُ عَيْنَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي، أَنْتَ لَهَا. يَعْني
الإمامة.

الطبري، ابي جعفر محمد بن جرير بن رستم (متوفاي قرن پنجم)، دلائل الامامة، ص ۴۰۰، تحقيق: قسم

الدراسات الإسلامية - مؤسسة البعثة، ناشر: مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة، قم، چاپ: الأولى ۱۴۱۳هـ.

زكريا بن آدم مي گويد: من خدمت حضرت رضا عليه السلام بوم كه ابوجعفر [امام جواد] سلام الله عليه
را آوردند كه آن وقت کمتر از چهار سال داشت. دست خود را بر زمين زد و صورت به آسمان بلند نمود مدتی در
اندیشه بود حضرت رضا عليه السلام فرمودند: فدایت شوم، در چه فکری چنین فرو رفته ای؟ ایشان پاسخ داد:
در فکر ستمی كه به مادرم فاطمه عليها السلام روا داشتند. بخدا قسم آن دو را خارج مي كنم و مي سوزانم و
خاكسترشان را به باد مي دهم و به دريا مي ريزم. او [امام رضا] عليه السلام او را پيش كشيد و پيشانی
مبارکش را بوسيد، سپس فرمودند: پدر و مادرم فدایت تو شايسته امامتی.

اشاره به نکات مهم امامت بیش از آن است كه در این نوشته بیان شود. از آنجائی كه هدف در این

نوشتار اختصار بوده است، به همین مقدار بسنده مي شود.

نتیجه:

مقام امام و منصب امامت، یکی از ویژگی های مهمی است كه توسط خداوند متعال به بندگان خاص
خود عنایت کرده است. در این نوشته به برخی از ویژگی های امام و منصب امامت از منظر امام جواد سلام الله
عليه اشاره شد.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

موسسه تحقیقاتی حضرت ولي عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف